

Original Article

International Collective Responsibility of Nuclear-Weapon States for Omission: Scrutinizing ILC Articles 2001 and NPT

Mohamad Setayeshpur*¹ 

¹ Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran



[20.1001.1.24237566.1402.7.1.2.6](https://doi.org/10.22080/LPS.2022.23813.1355)



[10.22080/LPS.2022.23813.1355](https://doi.org/10.22080/LPS.2022.23813.1355)

Received:

June 25, 2022

Accepted:

August 6, 2022

Available online:

September 23, 2022

Keywords:

International Law of Responsibility, International Nuclear Law, ARSIWA, NPT.

Abstract

Nuclear-weapon states are under obligation to cooperate with non-nuclear-weapon states to transfer peaceful nuclear technology and have equal access to this technology for all states parties to NPT. The present paper has sought to deal with international collective responsibility of nuclear weapon states for omission and has scrutinized ILC articles in respect of responsibility of states for internationally wrongful acts 2001 (ARSIWA) and NPT. It has sought to have a comprehensive study on the issue by addressing the primary and secondary obligations. The library method was used in this research for collecting data through reviewing documents, books, papers, and sites related to the topic. Scrutinizing ILC articles 2001 as scientific entity for codification and progressive development of international law and NPT, the present paper has found that nuclear-weapon states has a few obligations such as the obligation regarding the transfer of peaceful nuclear technology. The paper has concluded that nuclear-weapon states have breached the obligation collectively which has been extended in time, although the obligations of non-nuclear-weapon states are more. The commission of internationally wrongful act of nuclear weapon states has not been limited to NPT obligations and some of them, such as the U.S., have continued this action regarding other obligations such as the obligations enunciated in JCPOA. Breach of the obligation in question may lead to the termination or suspension of the operation of a treaty as a consequence of its breach. Collective and continuous character of the internationally wrongful act affects the content of international responsibility, causes its cessation and non-repetition, and makes the responsible state to restitute and reparate the material and moral damages.

***Corresponding Author:** Mohamad Setayeshpur

Address: Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Email: MohamadSetayeshpur@yahoo.com



Extended Abstract:

1. Introduction

Nuclear-weapon states are under obligation to cooperate with non-nuclear-weapon states to transfer peaceful nuclear technology and have equal access to this technology for all states parties to NPT. The present paper has sought to deal with international collective responsibility of nuclear weapon states for omission and has scrutinized ILC articles in respect of responsibility of states for internationally wrongful acts 2001 (ARSIWA) and NPT. It has sought to have a comprehensive study on the issue by addressing the primary and secondary obligations.

2. Method

The library method was used in this research for collecting data through reviewing documents, books, papers, and sites related to the topic.

3. Findings

Scrutinizing ILC articles 2001 as scientific entity for codification and progressive development of international law and NPT, the present paper has found that nuclear-weapon states have a few obligations such as the obligation regarding the transfer of peaceful nuclear technology. The paper has concluded that nuclear-weapon states have breached the obligation collectively which has been extended in time, although the obligations of non-nuclear-weapon states are more. The commission of internationally wrongful act of nuclear weapon states has not been limited to NPT obligations and some of them, such as the U.S., have continued this action regarding

other obligations such as the obligations enunciated in JCPOA. Breach of the obligation in question may lead to the termination or suspension of the operation of a treaty as a consequence of its breach.

4. Conclusion

The paper has concluded that nuclear-weapon states have breached the obligation collectively which has been extended in time, although the obligations of non-nuclear-weapon states are more. The Collective and continuous character of the internationally wrongful act affects the content of international responsibility, causes its cessation and non-repetition, and makes the responsible state to restitute and reparate the material and moral damages.

Funding

There is no funding support.

Authors' contribution

All parts of the paper have been prepared by the corresponding author.

Conflict of interest

Author declares no conflict of interest.

Acknowledgments

Author is grateful to all the consultants to this paper.

مسئولیت بین‌المللی جمعی دول دارای تسلیحات هسته‌ای ناشی از ترک فعل: واکاوی آورده ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل و ان.پی.تی*

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُعْزَبُونَ»

(قرآن کریم، سُورَةُ الْأَنْفَالِ، آیه ۵۹)

محمد ستایش پور**^۱ ID

^۱ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.



[20.1001.1.24237566.1402.7.1.2.6](https://doi.org/10.22080/LPS.2022.23813.1355)



[10.22080/LPS.2022.23813.1355](https://doi.org/10.22080/LPS.2022.23813.1355)

چکیده

به موجب ان پی تی، کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای، تعهد بین‌المللی دارند که برای انتقال دانش و فناوری هسته‌ای با کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای همکاری کنند. هدف جستار حاضر این است تا به مسئولیت بین‌المللی جمعی دول دارای تسلیحات هسته‌ای ناشی از ترک فعل بپردازد و به این منظور، بر مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت عمل متخلفانه بین‌المللی و معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای نظر دوخته است تا با پرداختن به تعهدات اولیه و ثانویه، بشود نگاهی جامع‌تر بر موضوع داشت. به فراخور موضوع، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع است. سطور حاضر، از رهگذر واکاوی آورده ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، یافته است که دول دارای تسلیحات هسته‌ای، در مقابل تعهدات زیاد دیگر کشورهای عضو ان پی تی، تعهدات معدودی دارند که تعهد ایجابی در خصوص انتقال دانش و فناوری هسته‌ای در آن زمره است و آن را به گونه‌ای جمعی و مستمر نقض کرده‌اند. تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای، به ان پی تی محدود نشده است و برخی نظیر ایالات متحده آمریکا در دیگر اسناد، نظیر برجام، نیز این اقدام خود را ادامه داده‌اند. نقض مطروحه می‌تواند موجب اختتام یا تعلیق اجرای تعهد مطروحه گردد. جمعی و مستمر بودن این عمل متخلفانه بین‌المللی، بر پیامد مسئولیت بین‌المللی اثرگذار است و اقتضا دارد تا افزون بر توقف و تضمین عدم تکرار عمل متخلفانه بین‌المللی، تا حد امکان، وضع به حال سابق، اعاده گردد و خسارات مادی و معنوی جبران شوند.

تاریخ دریافت:

۰۴ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۵ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۰۱ مهر ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

حقوق مسئولیت بین‌المللی،
حقوق بین‌الملل هسته‌ای،
مجموعه مواد ۲۰۰۱
کمیسیون حقوق بین‌الملل،
معاهده منع گسترش
تسلیحات هسته‌ای.

** سطور پیش رو، به ارواح طیبه شهدای هسته‌ای، به ویژه شهید دکتر محسن فخری‌زاده تقدیم می‌شود.

* نویسنده مسئول: محمد ستایش پور

ایمیل: MohamadSetayeshpur@yahoo.com

آدرس: استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق،

دانشگاه قم، قم، ایران.



۱ مقدمه

حقوق مخاصمات مسلحانه به عنوان یکی از موضوعات حقوقی بین‌المللی، شامل دو زمینه حقوق توسل به زور و حقوق بشردوستانه می‌شود. حقوق کنترل تسلیحات هسته‌ای، به لحاظ منطقی در ذیل بحث حقوق مخاصمات مسلحانه، در معنای اعم آن، قرار می‌گیرد. چه این که، این زمینه از حقوق، افزون بر آن که ارتباط مستقیمی با «حق بر جنگ» دارد، تار و پود آن با «حق در جنگ» گره خورده است و به تعبیر دقیق‌تر، در خدمت نائل آمدن به رسالت آن دانسته می‌شود. چرا که عملکرد مناسب آن می‌تواند از شدت آلام و مصائب جنگ بکاهد و دست کم آن، این است که از کشتار دسته جمعی جلوگیری کند. حقوق ناگزیر از پویایی است (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۹۷؛ محبی و رضادوست، ۱۳۹۴: ۱۰).

حقوق بین‌الملل هسته‌ای، به عنوان یکی از زمینه‌های تقریباً نو و البته بسیار حائز اهمیت، در پی پیشرفت‌های فناورانه هسته‌ای ظهور و نمو پیدا کرده است. مسئولیت بین‌المللی به عنوان زمینه‌ای دیگر از حقوق که دربردارنده تعهدات ثانویه است، در پسِ نقض تعهدات اولیه، به پا می‌خیزد. از این رو، با پدیدآیی تعهد اولیه حقوقی بین‌المللی در هر شاخه‌ای که باشد، فرض پدیدآیی تعهد ثانویه^۱ محتمل است (ستایش‌پور، ۱۳۹۸: ۴۴ و ۴۵) (Borelli, 2017: 1). معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای که از آن به عنوان سنگ بنای اساسی مجموعه مقررات در حوزه حقوق بین‌الملل هسته‌ای یاد شده است (Joyner, 2013 (a): 291)، متضمن مسئولیت بابت ترک فعل دانسته می‌شود؛ امری که آن را می‌توان در مفهوم موسع مسئولیت مشترک دانست. همسو با این موضع، در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به عنوان جامع‌ترین اسنادی که تا به امروز در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی در دست است (ابراهیم‌گل و

همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱ و ۷۲)، به مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، تصریح شده است (ARSIWA, 2001: Art. 16; ARIO, 2011: Art. 14) که خود از وضعیت‌های مسئولیت مشترک دانسته می‌شود (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۱) (ستایش‌پور و عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). مقاله در دست، در صدد برآمده است تا به مسئولیت ناشی از ترک فعل در گستره حقوق بین‌الملل هسته‌ای بپردازد.

حقوق مسئولیت بین‌المللی ناظر بر آن دسته از قواعد است که در پس نقض تعهد اولیه مطرح می‌شوند. در واقع، حقوق مسئولیت بین‌المللی متضمن تعهدات ثانویه حقوق بین‌الملل است و ارتکاب هر عمل متخلفانه بین‌المللی، اعم از فعل و ترک فعل، موجب مسئولیت دولت دانسته می‌شود. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها متضمن قواعد حاکم بر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی است. در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌الملل دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی و همین‌طور در مجموعه مواد ۲۰۱۱ نهاد یادشده در زمینه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض جمعی پرداخته شده است که این امر می‌تواند از رهگذر ترک فعل هم صورت بگیرد (ARSIWA, ARIO, 2011: Art. 14) (35: 2001). در واقع، این حالت، متصور است که ترک فعل، به منزله کمک یا مساعدت قلمداد گردد (Aust, 2011: 227).

موضوع حاضر، با دو زمینه بنیادین از حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق کنترل تسلیحات و حقوق مسئولیت بین‌المللی سر و کار دارد و از این رو، زلف آن با حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق مسئولیت بین‌المللی، در هم تنیده شده است و پیامدهای مهمی از جمله امکان‌سنجی تعلیق اجرای معاهده یا اختتام اعتبار آن معاهده را می‌تواند در بر داشته باشد و مطرح بسازد. نوشتار پیش رو، می‌کوشد تا

¹ Secondary Obligation



دارای تسلیحات هسته‌ای، یعنی ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین؛ و دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای با حسن نیت به سمت خلع ذخایر تسلیحات هسته‌ای موجود خود، اقدام کنند. به موجب معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای متعهد شده‌اند که با دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای همکاری و از این راه به آن‌ها کمک کنند تا بتوانند استفاده‌ای مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای داشته باشند. به موجب آن چه که در بند ۲ ماده ۴ معاهده پیش‌گفته مقرر شده است، دولت‌های عضو این معاهده بایستی به توسعه بیشتر کاربردهای انرژی هسته‌ای برای اهداف مسالمت‌آمیز، به ویژه در سرزمین‌های آن دسته از دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای که عضو معاهده یادشده هستند، کمک کنند و مقتضی است این امر با توجه به نیازهای نواحی در حال توسعه جهان، صورت پذیرد.

چنین همکاری می‌تواند به تنهایی یا به همراه دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی اعمال شود (NPT, 1968: Art 4 (2)). یکی از ویژگی‌های مهم معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای این است که معاهده یادشده، دسته‌بندی دوگانه دولت‌های عضو به دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای و دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای، با تعهدات حقوقی مشترک و متفاوت برای هر یک از اعضای این دو دسته است. ساده‌ترین راه که در آن، معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای دانسته می‌شود، این است که به عنوان یک معامله بزرگ در زمینه تعهدات معاوضی^۲ بین دو دسته از دولت‌های عضو است (Joyner, 2017: 787; Fleck, 2021: 511 & 513). این معاوضی بودن ساختار، به این معنا است که به رغم آن که تعداد کثیر کشورهای عضو آن،

به پیروی از مژد مورد اتخاذ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و همین طور دیوان بین‌المللی دادگستری، پس از تبیین تعهد اولیه، به ترتیب به انتساب رفتار و نقض تعهد بین‌المللی بپردازد. در این راه، به فراخور موضوع مطروحه، مقتضی است تا با تحلیل منطقی و به دور از متغیرهای کمی، بر این محمول نظر دوخته شود.

در خصوص نوآوری مقاله حاضر، گفتنی است که نوشتار پیش رو بر آن شده است تا به ترک فعل دول دارای تسلیحات هسته‌ای که به صورت جمعی و مستمر صورت می‌گیرد بپردازد و پیامدهای آن را مطرح کند و از این رو مستلزم آن است تا مضاف بر تعهد اولیه به تعهد ثانویه نظر بدوزد. جستار حاضر یک پژوهش کمی به شمار نمی‌رود. بنابراین روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است که این اطلاعات از طریق فیش برداری جمع‌آوری شده‌اند.^۱ در این راه، بر منابع اصلی و فرعی حقوق بین‌الملل نظر دوخته شده است.

۲ تکلیف به انتقال دانش و فناوری هسته‌ای

معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، به لحاظ نظری و به لحاظ عملی، پیچیده‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین معاهده در زمینه کنترل تسلیحات دانسته شده است (O'Connell & El Molla, 2013: 236). معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، سه سطح هنجاری دارد؛ حفاظت و تسهیل حق دولت‌ها بر توسعه صلح‌آمیز برنامه‌های انرژی هسته‌ای؛ پیش‌گیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای خارج از پنج کشور شناخته شده

^۱ در این باره، قابل عرض است که به آثار منتشر شده در خارج از کشور توجه خاصی شده است که نکند گفته شود مطالب مطروحه زائیده ذهن ایران و ایرانی است. در این خصوص، آقای دانیل جویئر، استاد دانشگاه آلاباما، آثار زیادی را در خصوص ایران و حقوق لآن‌الم لا هسته‌ای دارند و از این جهات، تلاش شده است که به تمامی آثار ایشان در ایلا باره استنلا شلاد. استناد

^۲ Quid Pro Quo Obligations

^۱ در این باره، قابل عرض است که به آثار منتشر شده در خارج از کشور توجه خاصی شده است که نکند گفته شود مطالب مطروحه زائیده ذهن ایران و ایرانی است. در این خصوص، آقای دانیل جویئر، استاد دانشگاه آلاباما، آثار زیادی را در خصوص ایران و حقوق لآن‌الم لا هسته‌ای دارند و از این جهات، تلاش شده است که به تمامی آثار ایشان در ایلا باره استنلا شلاد. استناد



تسلیمات هسته‌ای به این معنا است که می‌توان آن را به خوبی به عنوان یک معاهده قراردادی^۱ بین دو دسته از دولت‌های عضو قلمداد کرد و با معاهده قانون‌ساز^۲ که تعهداتی یکسان بر همه دولت‌های عضو، بار می‌کند متفاوت است (Joyner, 2011: 28). مقتضی است مشخص گردد که این دسته‌بندی به عنوان یک معاهده قراردادی، و نه یک معاهده قانون‌ساز، به موجب حقوق بین‌الملل، به هیچ وجه تأثیری بر ماهیت الزام‌آور تعهدات دول عضو معاهده منع گسترش تسلیمات هسته‌ای ندارد. همچنین، این امر، موجب اعمال قواعد متفاوتی در زمینه تفسیر معاهده نیست.

با این حال، این تفاوت در دسته‌بندی معاهده منع گسترش تسلیمات هسته‌ای، می‌تواند در عمل، بر تفسیر واقعی و اعمال مفاد معاهده یادشده اثر بگذارد. با این که قواعد یکسانی برای تفسیر به آن گونه که در مواد ۳۱ و ۳۲ معاهده وین در زمینه معاهدات آمده است بر هر دو دسته معاهدات قراردادی و قانون‌ساز، اعمال می‌شود (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969: Arts 31 & 32)، اما با توجه به دسته‌بندی آن معاهده، این قواعد تفسیر می‌توانند نتایج متفاوتی داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این نتایج، در زمینه تأثیرات نقض اساسی معاهده قراردادی توسط یک دسته تعریف شده از دول عضو است. در یک معاهده چندجانبه قانون‌ساز، نقض اساسی توسط یک عضو یا گروهی از اعضاء یا می‌تواند یا نمی‌تواند به نحوی باشد که اثر بسیار مهمی بر منافع دیگر اعضای معاهده بگذارد که آن‌ها را قادر سازد تا اجرای معاهده بین خود و دولت یا دول ناقض را تعلیق کنند یا اعتبار آن را کاملاً خاتمه دهند. این در حالی است که در معاهدات قراردادی این گونه مطلق نیست و چه بسا نقضی واحد، اثر بسیار مهمی بر منافع برخی بگذارد و بر منافع برخی دیگر، چنین اثر مهمی نداشته باشد (Joyner, 2017: 788 & 789).

معاهده قانون ساز را به ذهن متبادر می‌سازد اما تعهدات مندرج آن، به نحوی است که معاهده یادشده را به معاهده قراردادی شبیه‌تر کرده است. در واقع، در این معاهده، دو گروه از کشورها از یک-دیگر متمایز شده‌اند که هر یک تعهداتی دارند. اساساً در سیاق این ساختار معاوضی بوده است که کشورهای گروه دوم، یعنی کشورهای فاقد تسلیمات هسته‌ای، تن به عضویت در معاهده یادشده داده‌اند.

این در وضعیتی است که گروه نخست، یعنی کشورهای دارنده تسلیمات هسته‌ای صرفاً پنج کشوری هستند که مضافاً به عنوان عضو دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد از حق وتو برخوردارند و کشورهای گروه دوم، به لحاظ عددی به مراتب بیشتر هستند. متعاقب این معامله بزرگ، دولت‌های دارای تسلیمات هسته‌ای به موجب ماده ۱، متعهد شده‌اند که تسلیمات هسته‌ای را به هیچ کشوری غیر از پنج کشور دارای تسلیمات هسته‌ای ندهند و در ماده ۶ موافقت کرده‌اند که با حسن نیت، به سمت خلع کامل ذخیر تسلیمات هسته‌ای موجود به پیش روند (NPT, 1968: Art. 6). افزون بر این، آن‌ها در ماده ۴ توافق کرده‌اند که حق دولت‌های فاقد تسلیمات هسته‌ای را به رسمیت بشناسند تا برنامه‌های انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را حفظ کنند و فعالانه در توسعه این برنامه‌ها به آن‌ها مساعدت ورزند (NPT, 1968: Art. 4).

در مقابل، برای این تعهدات، دولت‌های فاقد تسلیمات هسته‌ای به موجب ماده ۲ خود را متعهد کرده‌اند که نه تسلیمات هسته‌ای بسازند و نه تحصیل کنند (NPT, 1968: Art. 2). همچنین، در ماده ۳ متعهد شده‌اند که به منظور تأیید این که تمام مواد هسته‌ای در سرزمین آن‌ها منحصرأ در خدمت استفاده‌های صلح‌آمیز است، خود را به پادمان‌ها که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اداره می‌شود، تقدیم بدارند (NPT, 1968: Art. 3). این ماهیت معاوضی معاهده منع گسترش

² Lawmaking Treaty

¹ Treaty-Contract

اشخاصی را می‌شود به شخص حقوقی دولت منتسب دانست (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶) (Álvarez Ortega, 2015: 3). کمیسیون حقوق بین-الملل در مواد ۴ تا ۱۱ مجموعه مواد ۲۰۰۱ به این موارد پرداخته است. در این باره، هر یک از موارد انتساب^۱ که احراز گردد، رفتار مربوطه به آن کشور منتسب دانسته می‌شود و بالمآل، رفتار مطروحه، رفتار آن کشور قلمداد می‌گردد (Fry, 2014: 116).

حقوق کنترل تسلیحات به عنوان یکی از زمینه-های حقوق بین‌الملل عمومی، تحت تأثیر عملکرد کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بر اساس حقاها و تعهدات آنها است. نگاه همه‌جانبه و نظم بخشی حقوقی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی، نیازمند تحلیلی در هم تنیده است. کمی پس از الزام‌آور شدن معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، گروهی از دولت‌های تأمین کننده عضو این معاهده، گرد هم آمدند و در مورد چندوچون همکاری و کنترل صادرات در این زمینه، به بحث نشستند (see Joyner, 2005 (a) & (b)). این نشست، گروهی را بنیان نهاد که از آن به «کمیته زانگر»^۲ یاد می‌شود.

کمیته زانگر، در سال ۱۹۷۴ میلادی، در پی آن که هند، اقدام به آزمایش هسته‌ای کرد و همین طور فعالیت‌های برخی دیگر کشورها نظیر کره شمالی، آفریقای جنوبی و برزیل در حوزه هسته‌ای شایسته توجه شد و شدت گرفت، کار خود را آغاز کرد تا از آن طریق، کشورهای عضو کمیته با یکدیگر هماهنگ شوند و بر همکاری‌های توسعه‌ای با دولت‌های در حال توسعه، کنترل و نظارت بیشتری داشته باشند (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۸). کمیته زانگر، در زمره ترتیبات سیاسی به شمار می‌آید و درصدد برآمده بود تا ترتیبی اتخاذ کند که کشورهای عضو، در زمینه

معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، یک معامله بزرگ در زمینه مبادله معاوضی تعهدات بین دو گروه متمایز از دولت‌های عضو است (Roland Haupt, 2021: 52 & 75). در ساختار معاوضی تعهدات، نظیر آن چه که در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای آمده است (Joyner, 2013 (a): 291)، آن چه که تحت نمونه معاهده قراردادی توصیف می‌شود، قصور جمعی یک گروه متمایز از اعضای معاهده در رعایت تعهدات خود، می‌تواند، مستقل از و افزون بر ارزیابی نقض‌های فردی دولت یا دولت‌های مربوطه، اثرات خاصی بر کلیت این معامله بزرگ در زمینه تعهدات معاوضی بین گروه-های دولت‌ها بپندد. طرقتی که در آنها، دول دارای تسلیحات هسته‌ای، معاهده یادشده را تفسیر کرده-اند، منجر به چارچوب حقوقی برای شماری از سیاست‌های مربوط به تجارت در فناوری‌های انرژی هسته‌ای غیرنظامی و خلع تسلیحات هسته‌ای شده است. این سیاست‌ها، با تحمیل شرایط برای تهیه فناوری‌های غیرنظامی هسته‌ای، حقوق کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای را به موجب ماده ۴ معاهده محدود می‌کند (NPT, 1968: Art. 4).

۳ انتساب ترک فعل در زمینه انتقال دانش و فناوری هسته‌ای

با توجه به این که کشور به عنوان یک شخص حقوقی که تابع فعال و اولیه جامعه بین‌المللی دانسته می‌شود، خود دربردارنده اشخاص حقیقی و حقوقی گونه‌گونی است، این مسأله مطرح است که رفتار چه شخص یا اشخاصی به منزله رفتار کشور دانسته می‌شود و به تعبیر بهتر، رفتار چه شخص یا

آمده است، کاربست «Attribution» بر «Imputation» رجحان دارد؛ چرا که به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل «واژه نخست از ورود در این بحث که فرایند قانونی مرتبط کردن چنین رفتاری با دولت، یک فرض است یا این که رفتار مورد بحث را «واقعاً» شخص دیگری مرتکب شده است، اجتناب می‌کند.» (برگرفته از ترجمه ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۵).
2 "Zangger Committee"

۱ در ... و ... «ان...ب»، گفقی ... ر دو و ... ا. لرسی «Attribution» و «Imputation». ر ا...ات پارسی حقوق بین‌الملل به «انتساب» برگردان شده‌اند (نک: ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۵)؛ و در رویه بین‌المللی و ت... .. الملا به هر دو واژه یاد شده به کار رفته‌اند (ARSIWA, 2001: Art. 2, commentary, para. 12). با این حال، بیشتر از واژه «Attribution» استفاده شده است. به لحاظ عبارت‌پردازی دقیق واژه «انتساب»، بدان گونه که به عنوان یکی از عناصر دوگانه دولتی ... ن... .. ا... ی کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد



هایی نظیر توانمندی نیز تسری بدهند و چنین گروهی در زمینه «رژیم کنترل فناوری موشکی»^۲ نیز تشکیل دهند (ساعد، ۱۳۸۳: ۶۱). در سال ۱۹۷۵ میلادی، گروهی جدید از دولت‌های تأمین کننده شکل گرفت که سرانجام، جایگزین کمیته زانگر شد و نقش هماهنگ‌کنندگی آن در زمینه کنترل‌های صادرات هسته‌ای را بر عهده گرفت. طی نشست‌های پی در پی، از این گروه، به طور غیررسمی، به «انجمن لندن»^۳ یاد می‌شد و البته عنوان رسمی این گروه، «گروه تأمین کنندگان هسته‌ای»^۴ بود. رهنمودهای گروه تأمین کنندگان هسته‌ای در فهرست ماشه کمیته زانگر وارد شد و به طور گسترده‌ای یادداشت‌تفاهم‌های کمیته زانگر را منعکس می‌کرد. در این باره، به منظور انتقال هسته‌ای به دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای، مفاد قابل توجهی نیز فراتر از مفاد معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای آورده شد.

رهنمودهای انجمن گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، استانداردهای کنترل صادرات را در برخی نواحی، از جمله در انتقال هسته‌ای و فناوری حامی آن‌ها، مضیق کرد (see Strulak, 1993). پس از آن، در سال ۱۹۹۲، گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، یک رژیم تکمیلی برای مناسب‌سازی و هماهنگی کنترل‌های صادرات ملی در زمینه موارد دومانظوره شکل داد؛ یعنی آن دسته از مواد و فناوری‌هایی که افزون بر کاربرد بازرگانی مشروع، در زمینه‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی^۵ نیز قابل استفاده دانسته می‌شوند. ترتیبات گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، برای کنترل صادرات دارای استفاده دومانظوره هسته‌ای، که اینک از آن به بخش دوم گروه تأمین کنندگان هسته‌ای یاد می‌شود، شامل مجموعه‌ای از رهنمودها برای انتقال موارد دارای استفاده دومانظوره هسته‌ای و فهرستی از حدود ۶۵ مورد، از جمله تجهیزات و فناوری، است (Joyner, 2017: 13). اصل پایه‌ای رهنمودهای دولت‌ها این است که تأمین کنندگان

توسعه توان هسته‌ای و همکاری با دیگر کشورها، عملکردی هماهنگ داشته باشند (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۸). کمیته زانگر، به طور دوره‌ای، نشست‌هایی برگزار می‌کرد و سرانجام، مجموعه‌ای از یادداشت‌تفاهم‌ها و یک فهرست ماشه، تنظیم و صادر کرد. این مجموعه یادداشت‌تفاهم‌ها توسط همه اعضای کمیته صادر شدند و فهرست ماشه شامل مواردی بود که صادرات آن‌ها موجب الزامات پادمان‌ها، دانسته می‌شدند.

توافقنامه جامع پادمان،^۱ معاهده‌ای دوجانبه میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشور عضو است که در آن به شرح کامل رابطه حقوقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آن کشور عضو پرداخته شده است و تعهدات کشور عضو در رابطه با پادمان‌های هسته‌ای و همین طور، اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی و ارزیابی تأسیسات و مواد هسته‌ای آن کشور عضو، در آن مشخص شده است (Joyner, 2013 (a): 283). کمیته زانگر، اساساً با ابتناء بر ترتیبات سیاسی، عملاً مغایر با ماده ۴ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است و از این رو خلاف مقتضای ذات آن دانسته می‌شود؛ چرا که ماده ۴ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، اساساً بر آن بوده است تا با جلب رضایت کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای، آن‌ها را به عضویت در معاهده یادشده تشویق کند. در واقع، افزون بر این که کشورها از حق فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردارند، کشورهای دیگر متعهد به تسهیل این امر شده‌اند و این تعهد، یک تعهد جمعی است (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۳).

اقدامات کشورهای عضو از رهگذر کمیته زانگر، از جمله اقدامات ناقص این تعهد معاهداتی دانسته می‌شود (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۸). با این حال، کشورهای عضو نه تنها در ارتکاب نقض مطروحه، استمرار داشته، که حتی کوشیده‌اند تا این امر را به زمینه-

⁴ "Nuclear Suppliers Group" (NSG)

⁵ "Weapons of Mass Destruction" (WMD)

¹ Comprehensive Safeguard Agreement

² Missile Technology Control Regime (MTCR)

³ "London Club"

عنوان شرطی است که باید حاصل آید (Joyner, 2013 (b): 1). با توجه به ماهیت آشکار هماهنگی این سیاست‌ها و اقدامات دولت‌های تأمین‌کننده از طریق گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای، در این سیاق مناسب است که یک نمونه مسئولیت جمعی برای نقض بند ۲ ماده ۴ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، اعمال گردد.

احراز مسئولیت جمعی ناشی از نقض تعهد هسته‌ای مندرج در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، به نقض جمعی ماده ۶ توسط دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای، شباهت دارد. یکی از عوامل پیچیده در بند ۲ ماده ۴ این است که دولت‌های تأمین‌کننده که به موجب بند ۲ ماده ۴ متعهد دانسته می‌شوند، گروهی بسیار بزرگ‌تر و گونه‌گون‌تر از دولت‌های برخوردار از تسلیحات هسته‌ای هستند. با این همه، با توجه به این که، هر دولت تأمین‌کننده که عضو گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای است، از طریق اعمال رهنمودها و فهرست ماشه گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای، در مغایرت با تعهد ماده ۴ (۲) عمل کرده باشد، به منزله قصور جمعی تمام آن گروه است (NPT, 1968, Art. 4 (2)). ماده ۶۰ کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات، شامل ایجاد زمینه‌ها برای تعلیق اجرای معاهده و اختتام اعتبار آن، توسط دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای، در این مورد قابل اعمال است (VCLT, 1969, Art. 60). به موجب ماده ۶۰ معاهده ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، که در آن به اختتام معاهده یا تعلیق اجرای آن در نتیجه نقض معاهده پرداخته شده است، نقض ماهوی معاهده هم در معاهدات دوجانبه و هم در معاهدات چندجانبه، بستر اختتام اعتبار معاهده یا تعلیق اجرای آن را می‌سور می‌سازد.

به موجب آن چه که در ماده ۶۰ (۲) (الف) (دو)، معاهده یادشده آمده است، در معاهدات چندجانبه، این امر می‌تواند تنها محصور به روابط میان دولت مربوطه و دولت ناقض معاهده نباشد و در روابط تمام طرف‌های معاهده اعمال گردد (VCLT, 1969).

نباید انتقال تجهیزات، مواد، نرم‌افزار یا فناوری مربوطه که در فهرست، شناسایی شده‌اند را مجاز بدانند (اگر ۱) دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای، آن‌ها را در فعالیت محترق هسته‌ای یا چرخه غیرحفاظت‌شده سوخت هسته‌ای به کار برد؛ (۲) به طور کلی در خطر غیرقابل پذیرش انحراف و تغییر مسیر به چنین فعالیت قلمداد گردد؛ یا (۳) در وضعیتی که انتقال، در مغایرت با هدف منع گسترش تسلیحات هسته‌ای دانسته شود (Strulak, 1993). (۵) دیگر مقرره‌های مهم در این رهنمودها بر معیار ارزیابی سطح خطر مصرح در اصل پایه‌ای و شرایط برای انتقال و انتقال مجدد، تصریح دارد.

این به آن معنا است که مواضع پایان استفاده یا تضمینات عدم استفاده برای فعالیت چرخه محترق یا غیرحفاظت‌شده سوخت هسته‌ای. اینک، گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای از ۴۷ دولت مشارکت‌کننده، از جمله تمام دولت‌های اصلی تأمین‌کننده هسته‌ای در جهان، تشکیل می‌شود (ساعد، ۱۳۸۳: ۶۹). این در وضعیتی است که رژیم منع گسترش تسلیحات هسته‌ای بر آن است تا اعضای کلوب هسته‌ای افزایش نیابد.

۴ نقض جمعی تعهد بین‌المللی در زمینه انتقال دانش و فناوری هسته‌ای

اقدامات دول تأمین‌کننده، از جمله تلاش‌های دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای، از رهگذر گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای، موجب محدودیت‌هایی هماهنگ در زمینه دسترسی دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای به مواد و فناوری هسته‌ای شده است و این در سطح و دامنه‌ای است که نقض تعهد مندرج در بند ۲ ماده ۴ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای دانسته می‌شود. این محدودیت‌ها، شامل انکار هماهنگ غنی‌سازی و بازفراوری فناوری‌ها و شرط دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای برای انعقاد پروتکل الحاقی به



بتوان بیش از یک دولت را مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی دانست. همین ماده در قسمت (ب) از دومین بند خود مقرر می‌دارد که اگر بیشتر از یک دولت مسئول زیان و خسارت واحد باشند هر یک به اندازه نقشی که ایفا کرده است مسئولیت دارد.

نیز در خصوص گستره حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، ماده ۴۸ از طرح ۲۰۱۱ در راستای همان جریان ماده ۴۷ طرح مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت تقریر یافته است و این امکان را می‌سازد تا بتوان بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی را در قبال یک عمل متخلفانه مسئول دانست. از این رو، به موجب اصل مندرج در ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، تمام این دولت‌ها مسئول هستند (ابراهیم‌گل و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۰۲ و ۸۰۳). در واقع، ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱، متضمن آن است که چنانچه بیش از یک کشور، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی واحد شده باشند، می‌توان به مسئولیت بین‌المللی هر یک از دول متخلف استناد کرد. این امر، آن روی سکه اصل منعکس شده در ماده ۱ مجموعه مواد یادشده است.

با توجه به این که به موجب ماده ۱ که جامعه حقوق بین‌الملل عرفی نیز به تن کرده است، هر دولت بابت رفتاری که مرتکب شده است مسئولیت دارد (ARSIWA, 2001: 33, para. 3) (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۷۷۵) و تعدد دول مسئول نه تنها مانع از مسئول دانستن دول متخلف دیگر بابت عمل متخلفانه واحد نیست بلکه از مسئولیت آن‌ها نمی‌کاهد (ARSIWA, 2001: 124, para. 1).

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان دادگاهی که در گستره جهانی برای رسیدگی به اختلافات حقوقی کشورها صلاحیت بین‌المللی دارد، در قضایای مختلف، بر قابلیت استناد به بیش از یک دولت، بابت عمل متخلفانه بین‌المللی واحد، صحه گذارده است. به طور مثال، می‌توان به قضایای «اقدامات مسلحانه در سرزمین کنگو»، اشاره کرد که

Art. 60 (2) (a) (ii). قاعده «فسخ یا اختتام یا تعلیق اجرای معاهده در مقابل نقض آن»، افزون بر این که یک قاعده برخاسته از معاهده‌ای بین‌المللی است، قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نیز به شمار می‌رود (ضیائی بیگدلی ۱۳۹۹: ۲۵۸ و ۲۵۹). قاعده پیش‌گفته، در هم‌سویی کامل با قاعده سنتی معامله متقابل و مشروعیت اقدامات مقابله به مثل مسالمت‌آمیز یا غیرنظامی دانسته می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۹: ۲۵۸ و ۲۶۱). در این باره، می‌توان استدلال کرد که در چنین مواردی، همچنین دولت زیان‌دیده می‌تواند به مسئولیت تمام دولت‌های متخلف استناد کند (ARSIWA, 2001: Art. 47). طرح ۲۰۰۱ از دو نوع مسئولیت، سخن به میان می‌آورد: مسئولیت مستقل و مسئولیت اشتقاقی. مطابق با یافته‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، فصل چهارم از اولین بخش در همین پیش‌نویس به مسئولیت مشترک اشاره دارد. همسو با این روند، ماده ۴۷ از طرح ۲۰۰۱ مسئول دانستن یک یا چند دولت را مانع از بار شدن مسئولیت بر یک یا چند دولت دیگر نمی‌داند. نیز طرح ۲۰۱۱ هم اگرچه با بیانی که کمی متفاوت از عبارت پردازی مواد در طرح مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها دانسته می‌شود، در همان جریان طرح ۲۰۰۱ حرکت کرده است. اگرچه شاکله فصل چهارم از بخش اول طرح ۱۹۹۶ حفظ شد اما تغییراتی در متن آن به وجود آمد که موجب روشن‌تر شدن آن گردید تا این که سرانجام در طرح ۲۰۰۱ این نهاد علمی راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت آمد. در این ماده آمده است: «۱. هنگامی که چندین دولت مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی واحد باشند، می‌توان به مسئولیت بین‌المللی هر یک از آن‌ها در خصوص آن عمل استناد کرد. ۲. بند فوق: الف) به دولت زیان‌دیده این امکان را نمی‌دهد که از باب جبران خسارت چیزی بیش از خسارتی که متحمل شده است مطالبه کند؛ ب) به حق استناد به مسئولیت دیگر دولت‌های مسئول خدشه وارد نمی‌کند.» (ARSIWA, 2001: 124). ماده ۴۷ از طرح ۲۰۰۱ که تحت عنوان «تعدد دولت‌های مسئول» آمده این امکان را فراهم آورده است که

المللی توجه نشان داده است (ICJ, Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986: 7). در حقوق مسئولیت بین‌المللی، معمولاً سخن از توقف عمل متخلفانه و تضمین عدم تکرار می‌آید (ARSIWA, 2001: Art 30); منتها توقف در زمانی مطرح می‌شود که عمل متخلفانه بین‌المللی مربوطه مستمر باشد؛ این به آن معنا است که آن عمل متخلفانه بین‌المللی در بازه زمانی استمرار یافته باشد؛ گروگان‌گیری و همین‌طور، حضور غیرقانونی نیروهای آمریکا در منطقه خاورمیانه و به ویژه عراق، مصداق بارز عمل مستمر است (قاسمی و ستایش-پور، ۱۳۹۹: ۲۰۰)؛ چرا که تحقق آن مستلزم استمرار در یک بازه زمانی هرچند کوتاه است (Kolb, 2017: 151 & 150). از این رو چنانچه عملی چند بار تکرار شود را نباید به منزله استمرار عمل متخلفانه بین‌المللی دانست ولی چنانچه نقض تعهد بین‌المللی در زمان استمرار یابد، آن نقض تعهد، به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس شده است، نقض مستمر دانسته می‌شود (ARSIWA, 2001: Art. 14).

اقدام کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای به ویژه آمریکا در سر باز زدن از همکاری در زمینه انتقال دانش و فناوری هسته‌ای، در بازه زمانی استمرار یافته است و نقض مستمر تلقی می‌شود. در این کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، مضاف بر نقض تعهدات خود به موجب ان پی تی، تعهدات دیگری که در این خصوص، از جمله و به ویژه به موجب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، داشته را نقض کرده‌اند و صرفاً درصدد بهره بردن و نقض تعهد کردن هستند. تجربه برجام نشان داد که این کشور، به رغم نقض مستمر تعهد بین‌المللی خود به موجب ان پی تی، بیشتر به پشتوانه حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، همچنان داعیه آن دارد که دیگر کشورها، از جمله و به ویژه جمهوری اسلامی ایران، به تعهدات هسته‌ای خود چه به موجب برجام و چه به موجب ان پی تی، پای‌بند

جمهوری دموکراتیک کنگو علیه رواندا و بوروندی، نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کرد (ICJ Judgment, 2001 (a) & ICJ Judgment, 2001 (b)). همین‌طور، لیبی در زمینه «مسائل تفسیر و اعمال کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترآل ناشی از حادثه هوایی لاکربی»، در سال ۱۹۹۲ میلادی، علیه انگلستان و ایالات متحده آمریکا اقامه دعوی کرد (ICJ Judgment., 2003 (a): 2 & ICJ Judgment., 2003 (b): 2) و نیز صربستان و مونته‌نگرو، در مورد «قانونی بودن توسل به زور»، علیه ۱۰ کشور اقامه دعوی کرد.

باری، این به معنای جبران مضاعف نیست، بلکه صرفاً استناد به مسئولیت بیش از یک دولت است و نباید منتج به جبران مضاعف شود. چه این که، همان‌طور که به اقتضای عدالت، تعدد دول مسئول، متصور است، منع جبران مضاعف نیز به منظور حفظ حقوق دول متخلف، باید پاس داشته شود. در این باره، در وضعیتی که بیش از یک دولت، مسئول زیان و خسارت واحد باشند، مسأله نقش آن‌ها در تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی مربوطه، مطرح می‌شود. از این رو، مسئولیت مشترک، یک مفهوم با کاربردپذیری خاص در زمینه حقوق کنترل تسلیحات هسته‌ای است. سودمند است که یک لایه ثانویه مهم از تحلیل راجع به مسئولیت دولت‌ها ناشی از نقض‌های قواعد مربوط به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای مطرح شود.

به‌طور ویژه، اندیشه مهمی برای کاوش و استنباط کامل از مفاد خاص این رژیم پیرامون نقض‌های جمعی معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای توسط دولت‌ها است. نقض‌هایی که موجب شده است تا گفته شود که معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، در معرض باد سرد است (Joyner, 2013 (a): 291). بسیاری از موارد نقض‌های تعهد، در زمره نقض‌های مستمر دانسته می‌شوند. دیوان بین‌المللی دادگستری، در قضایایی نظیر قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، به استمرار نقض تعهد بین-



(Arts 31 & 32)، می‌توان دریافت که این رجحان نامتناسب سطح عدم گسترش در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، منجر به تفسیر حقوقی نابه‌جا و غلط در پرتو تعادل اصلی اصولی معاهده است (Joyner, 2011: 108)؛ و منافع حقوقی مشروع کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای را متأثر ساخته و به آن‌ها زیان وارد کرده است (Joyner, 2011: abstract). با توجه به این که معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، یک معاهده‌ای معاوضی بین کشورهای دارنده تسلیحات هسته‌ای از یک سو و از سوی دیگر، کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای است، در وضعیتی که کشورهای گروه نخست، کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای، به راحتی بدون توجه به تعهدات خود به موجب معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و بدون توجه به معامله بزرگی که با اعضای فاقد تسلیحات هسته‌ای منعقد کرده‌اند عمل کنند (see India-US Agreement, 2007).

همین‌طور، با سوءاستفاده از تعهدات دول فاقد تسلیحات هسته‌ای علیه آنان، به آنان آسیب بزنند، آن‌گاه بدیهی است که این معاهده، نامشروع و بی-مصرف دانسته شود (Joyner, 2013 (a): 291). این به آن معنا است که نقض مستمر تعهد بنیادین یک گروه از کشورها، رفته رفته موجب می‌شود تا دیگر گروه دول عضو معاهده نیز تعهد خود را انجام ندهند و این به معنای بی‌سرانجام‌ماندن معاهده یادشده است.

۵ نتیجه‌گیری

آن‌پی‌تی، بر آن شده است که همان‌طور که تسلیحات هسته‌ای گسترش نیابد و حتی خلع شود، دانش صلح آمیز هسته‌ای توسعه یابد. یکی از تعهدات اصلی پنج کشور دارای تسلیحات هسته‌ای، تعهد به همکاری در زمینه انتقال هسته‌ای دانسته می‌شود. با این حال، در عمل، به رغم ماهیت معاوضی معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای،

باشند؛ این در حالی است که تعهدات مربوطه، ماهیتی معاوضی دارند (Davis Gibbons & Herzog, 2022: 56). سازوکارها و اقدامات مستمر و مختلف آمریکا و هم‌پیمانان آن کشور، بنیان رژیم حقوقی معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را سست کرده است (Joyner, 2013 (a): 291). چه این که، پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد که «نه به طور تصادفی»^۱ پنج دولت دارای تسلیحات هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز هستند (میرمحمدی، ۱۳۹۶: ۷۱)، اختیارات موسعی در شورای امنیت دارند و از حق وتو برخوردارند.

در واقع، پیچیدگی بازیگران در زمینه کنترل تسلیحات هسته‌ای و پیامدهای احتمالی در حوزه مسئولیت مشترک، یکی از مظاهر رو به تزاید گذاشتن مصادیق مسئولیت مشترک در حقوق بین‌الملل است. توسعه رو به فزونی گزاره مسئولیت مشترک، از اهمیتی خاصی برخوردار است و با توجه به ساختار ویژه معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، در زمینه مسأله کنترل تسلیحات هسته‌ای کاربرد دارد. با توجه به این که تعهدات معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای توسط دو گروه به ترتیب، در برابر تعهدات گروه دیگر اتخاذ شده است، افزون بر مسئولیت فردی بالقوه ناشی از نقض‌های ارتكابی توسط یک یا چند دولت، بررسی عدم رعایت جمعی تعهدات ناشی از این معاهده، توسط دو گروه از دولت‌ها، بسیار حائز اهمیت است.

اظهارات دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای، به ویژه ایالات متحده آمریکا، از دوران جنگ سرد تا به امروز، نشان از رجحان نامتناسب سطح عدم گسترش در معاهده و همین‌طور، کم‌ارزش‌انگاری غیرمعمول توسعه انرژی غیرنظامی و سطوح خلع سلاح در معاهده است. بررسی نظام‌مند معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای با توجه به قواعد تفسیر معاهده به آن گونه که در معاهده ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهده آمده است (VCLT, 1969)

^۱ “Not Coincidentally”

نقض تعهد و جمعی بودن مسئولیت بین‌المللی ناشی از ترک فعل، مضاف بر احراز مسئولیت، بر پیامد مسئولیت نیز اثرگذار است و مضاف بر بایستگی توقف عمل متخلفانه و تضمین عدم تکرار، اقتضا دارد تا هم‌زمان و به نحوی توأم، چند شکل از جبران خسارت، صورت پذیرد تا خسارت به طور کامل جبران گردد. در این راه، به فراخور زیانی که به هر کشور وارد شده است، کشور مسئول باید اقدام کند.

در این باره، شایسته توجه است که اگرچه کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای، همواره به این نقض مستمر معاهده که خلاف مقتضای ذات تعهد معاوضی است، اعتراض کرده‌اند اما شوربختانه تا به امروز، عملکردی هماهنگ صورت نگرفته است و از این رو اقدامات جسته و گریخته‌ای که به صورت پراکنده انجام شده‌اند، در عمل در پای‌بندی و التزام واقعی کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، مؤثر و عملیاتی دانسته نمی‌شود. مقتضی است تا با تکیه بر ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در زمینه معاهدات بین‌المللی و ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل که جامه عرفی نیز به تن دارند، اقدامی هماهنگ از سوی کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای به عمل آید. به لحاظ حقوقی، مسئولیت بین‌المللی و فیصله اختلاف بین‌المللی، به رغم ارتباط وثیقی که دارند، دو زمینه جداگانه در حقوق بین‌الملل عمومی هستند. چه بسا کشوری مسئولیت بین‌المللی داشته باشد ولی به هر دلیل حقوقی یا غیرحقوقی، کشور زیان دیده، مبادرت به حل و فصل قضایی یا داوری اختلاف بین‌المللی نکند. استناد به مسئولیت، عملی است نسبتاً رسمی که حتماً نیازی نیست از طریق مراجع حقوقی بین‌المللی، اعم از قضایی یا داوری، صورت بگیرد بلکه می‌تواند از رهگذر سازوکارهای دیپلماتیک محقق شود.

در مورد محاکم باید گفت که نخست مقتضی است آن دادگاه صلاحیت رسیدگی داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری که رکن قضایی اصلی

کشورهای گروه دارای تسلیحات هسته‌ای، تعهد خود به همکاری را نقض کرده‌اند. تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی و بالمآل، ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت، مستلزم آن است تا به ترتیب، دو عنصر انتساب و نقض تعهد احراز گردد و این به معنا است که نخست، احراز شود عمل متخلفانه بین‌المللی به کشور منتسب است و دیگر این که تعهد اولیه نقض شده است.

عملکرد کشورها به ویژه از رهگذر کمیته زانگر و گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، گواه بر انتساب رفتار است و رفتار مربوطه، بدون تردید، نقض تعهد بین‌المللی در زمینه همکاری برای انتقال هسته‌ای، محسوب می‌شود؛ چرا که اساساً هدف کمیته زانگر و گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، کنترل انتقالات و صادرات هسته‌ای بوده است. نقضی که نه یک بار، بلکه در طول سالیان، استمرار یافته و یک نقض مستمر تعهد بین‌المللی به موجب آن چه که در ماده ۱۴ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است، قلمداد می‌گردد. بدین ترتیب، هر دو عنصر عمل متخلفانه بین‌المللی در این باره وجود دارد. از این رو، با تکیه بر قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی، دول دارای تسلیحات هسته‌ای، به ویژه ایالات متحده آمریکا، مسئولیت بین‌المللی بابت ترک فعل دارند. این ترک فعل آمریکا در خصوص برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام نیز تکرار شده است. یکی از معضلات جمهوری اسلامی ایران، عدم منتفع شدن از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و حتی تعهدات مندرج در برجام بوده است که خود مصداقی برای ترک فعل کشورهای طرف تعهدات مطروحه است؛ امری که به موجب حقوق بین‌الملل معاهدات، موجب تعلیق اجرای معاهده یا اختتام اعتبار معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به شمار می‌رود. در وضعیت حاضر، ترک فعل، به خودی خود، نقض تعهد و متخلفانه دانسته می‌شود و چون نقضی جمعی است، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض جمعی تعهد به همکاری قلمداد می‌گردد. مستمر بودن



سازمان و دارای حق وتو است، طرح این موضوع در شورای امنیت نتیجه مطلوبی در بر نخواهد داشت. در این راه، می‌توان از ظرفیت گروه کشورهای ۷۷ و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بهره جست و از این طریق اقدام کرد. این اقدام به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی، استناد به عمل متخلفانه بین‌المللی دانسته می‌شود. از این رو نباید این گونه انگاشت که استناد به مسئولیت تنها از رهگذر مراجع قضایی یا داوری بین‌المللی باید صورت بگیرد و حال که هیچ یک از محاکم، صلاحیت رسیدگی ندارند استناد به مسئولیت بین‌المللی منتفی می‌شود؛ به هیچ وجه این گونه نیست. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به اختلاف نائورو علیه استرالیا طی قضیه برخی اراضی فسفات در نائورو متضمن آن است که اطلاع دولت خوانده از ادعای دولت خواهان هر چند از طریق گزارش‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و نشست‌ها صورت گرفته باشد، خود به منزله استناد دانسته می‌شود.

سازمان ملل متحد است صلاحیت رسیدگی به اختلافات میان کشورها را دارد اما صرف عضویت در آن کفایت نمی‌کند، بلکه کشورها باید به نحوی صلاحیت آن را پذیرفته باشند یا بپذیرند. در این باره، چون صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای این موضوع، از سوی طرفین اختلاف، پذیرفته نشده است اقامه دعوی در دیوان یادشده عملاً منتفی می‌شود مگر این که جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوی کند و بعداً کشور مقابل، نظیر آمریکا، صراحتاً یا ضمناً صلاحیت دیوان را بپذیرد که این پذیرش بسیار بعید به نظر می‌رسد. در قضیه‌هایی که اخیراً جمهوری اسلامی علیه ایالات متحده آمریکا، نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کرده است، به معاهده مودت استناد شده است که در این خصوص، دیگر قابلیت اعمال ندارد. دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا نیز نه به لحاظ زمانی و نه به لحاظ موضوعی صلاحیت رسیدگی به این دعوی را ندارد. باری، محکمه داوری جداگانه‌ای برای رسیدگی به این قضیه، قابل تأسیس است، اما احتمال موافقت آمریکا با چنین راه حلی منتفی است. از این رو، در فقد محکمه ذی صلاح، مقتضی است از راه دیپلماتیک از جمله سازمان ملل متحد، اقدام کرد. با توجه به این که آمریکا عضو دائم شورای امنیت این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

Holy Quran

Agreement for Cooperation between the Government of the United States of America and the Government of India concerning Peaceful Uses of Nuclear Energy (2007).

Álvarez O., Elena L. (2015). "The Attribution of Responsibility to a State for Conduct of Private Individuals within the Territory of Another State", *InDert*, vol. I, pp. 1-44.

Aust, Ph. (2011). *Complicity and the Law of State Responsibility*, Cambridge University Press.

Azizi, S. & Karimi, S. (2016). "Derived International Responsibility resulted from Aid or Assistance with Emphasis on Case of Use of Cluster Munitions in Yemen", *Journal of Public Law Research*, vol. 18, issue 51, pp. 109-135. (In Persian)

Borelli, S. (2017). *State Responsibility in International Law*, Oxford University Press.

Davis G.R. & Herzog, S. (2022). "Durable Institution Under Fire? The NPT Confronts Emerging Multipolarity", *Contemporary Security Policy*, vol. 43, pp. 50-79.

Ebrahimgol, A. (2013). *The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries 2001*, Translation to Persian, Under Supervision of S.J. Seifi, The SD Institute of Law Research & Study. (In Persian)

Ebrahimgol, A.; Karimi, S.; Khosroshahi, H. & Roshanfekar, P. (2017). *State Responsibility: The General Part*, 2013, by J. Crawford, Translation to

Persian, Foreword by S.J. Seifi, Sang-e-Laj. (In Persian)

Fleck, D. (2021). "General Principles and Shared Interests as Elements of Nuclear Non-Proliferation", in J.L. Black-Branch & D. Fleck (ed.), *Nuclear Non-Proliferation in International Law*, vol. VI: Nuclear Disarmament and Security at Risk – Legal Challenges in a Shifting Nuclear World, Springer, pp. 501-521.

Fry, J.D. (2014). "Attribution of Responsibility", in A. Nollkaemper, and I. Plakokefalos (ed.), *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge University Press, pp. 98-133.

Ghasemi, S.Gh. & Setayeshpur, M. (2020). "U.S. International Responsibility for Martyrdom of Major General Soleimani", *Journal of Comparative Study of Islamic and Western Law*, vol. 7, issue 2, pp. 189-216. (In Persian)

ICJ [International Court of Justice] (1986). Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, *Nicaragua v. United States of America*, ICJ Reports 1986, Contentious Case.

ICJ [International Court of Justice] (2001) (a). Armed Activities on the Territory of the Congo, *Democratic Republic of the Congo v. Burundi*, ICJ Reports 2001, Contentious Case.

ICJ [International Court of Justice] (2001) (b). Armed Activities on the Territory of the Congo, *Democratic*



- Republic of the Congo v. Rwanda, ICJ Reports 2001, Contentious Case.
- ICJ [International Court of Justice] (2003) (a). Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie, Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom, ICJ Reports 2003, Contentious Case.
- ICJ [International Court of Justice] (2003) (b). Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie, Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America, ICJ Reports 2003, Contentious Case.
- ILC [International Law Commission] (2001). Yearbook, vol. ii, part. 2, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA).
- ILC [International Law Commission] (2011). Report on the Work of its Sixty-third Session, A/66/10, UNGAOR 66th sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO).
- Joyner, D.H. (2005) (a). "The Nuclear Suppliers Group: History and Functioning", *International Trade Law and Regulation*, vol. 10, no. 2, pp. 33-42.
- Joyner, D.H. (2005) (b). "The Nuclear Suppliers Group: Present Challenges and Future Prospects", *International Trade Law and Regulation*, vol. 10, issue 3, pp. 84-96.
- Joyner, D.H. (2011). *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*, Oxford University Press.
- Joyner, D.H. (2013) (a). "Iran's Nuclear Program and International Law", *Penn State Journal of Law & International Affairs*, vol. 2, no. 2, pp. 282-292.
- Joyner, D.H. (2013) (b). "Why Nuclear Supplier States in Collective Breach of the NPT", Blogpost, April 24, available at: Joyner, D.H. (2017). "Arms Control", in: André Nollkaemper and Ilias Plakekofalos, *The Practice of Shared Responsibility in International Law*, Cambridge University Press, pp. 781-797.
- Kolb, R. (2017). *The International Law of State Responsibility: An Introduction*, Edward Elgar Publishing.
- Mahmoudi, S.H. (2011). "Impact of Technology on the Development and Evolution of International Space Law", *Journal of Public Law Research*, vol. 13, issue 32, pp. 299-336. (In Persian)
- Mirmohammadi, M.S. (2016). "The Security Council as a Legal Hegemon" *Gergetown Journal of International Law*, 2012, D.H. Joyner, Translation to Persian, in A. Abedini (ed.), *Parvandaye Hasteie Iran va Hoghooghe Bein ol Melal*, Khorsandy, pp. 39-79. (In Persian)
- Mohebi, M. & Rezadoost, V. (2016). "Evolutive Interpretation of Treaties in International Law in the Light of Dispute Regarding Navigational and Related Rights Case (Costa Rica v. Nicaragua)", *International Law Review*, vol. 32, issue 53, pp. 9-30. (In Persian)
- O'Connell, M.E.; El Molla, R. (2013). "The Prohibition on the Use of Force for

- Arms Control: The Case of Iran's Nuclear Program", *Penn State Journal of Law & International Affairs*, pp. 315-327.
- Roland Haupt, D. (2021). "Nuclear Nonproliferation Objectives of Permanence with Accountability at Stake: The Role of International Law in the Interlude between the Tenth and the Eleventh Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons", in J.L. Black-Branch & D. Fleck (ed.), *Nuclear Non-Proliferation in International Law*, vol. VI: Nuclear Disarmament and Security at Risk - Legal Challenges in a Shifting Nuclear World, Springer, pp. 37-113
- Saed, N. (2004). "Tose'e Danesh va Fanavari Hasteie Solhamiz e Hasteie dar Asnad va Amoozehaye Hoghogh e Bein ol Melal", *Siasat Defaee*, vol. 46, pp. 45-72. (In Persian)
- Setayeshpur, M. & Abedini, A. (2016). "Iraq Use of Chemical Weapons in Iraq-Iran War" U.S. Derivative Responsibility", *Journal of Public Law Research*, vol. 7, issue 50, pp. 143-169. (In Persian)
- Setayeshpur, M. & Haddady, M. (2017). "Scrutinizing the Necessity of Enunciating the Concept of "Derivative Responsibility: in light of ILC Works", *Public Law Studies Quarterly*, vol. 47, issue 3, pp. 771-795. (In Persian)
- Setayeshpur, M. (2016). "Iran's Nuclear Program and International Law", *Penn State Journal of Law and International Affairs*, 2013, by D.H. Joyner, Translation to Persian, in A. Abedini (ed.), *Parvandaye Hasteie Iran va Hoghooghe Bein ol Melal*, Khorsandy, pp. 27-39. (In Persian)
- Setayeshpur, M. (2019). *Legal Consequences of State Succession in respect of International Responsibility*, Ph.D. Thesis, Supervisor: Dr. M. Fazaeli, Advisor: Dr. S.Y. Ziaee, Faculty of Law, University of Qom. (In Persian)
- Strulak, T. (1993). "The Nuclear Suppliers Group", *Nonproliferation Review*, no. 1, vol. 1, pp. 2-10.
- Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (1968). 729 UNTS.
- Vienna Convention on the Law of Treaties (VCLT) (1969). 1155 UNTS.
- Zamani, S.Gh. & Mirzadeh, M. (2013). "International Responsibility of States for Private Company's Conduct thorough the Lens of International Judicial and Arbitral Jurisprudence", *Journal of Public Law Research*, vol. 14, issue 40, pp. 115-140. (In Persian)
- Ziai Bigdeli, M.R. (2020). *Law of International Treaties*, Ganj-e-Danesh. (In Persian)
- <https://armscontrollaw.com/2013/04/24/why-nuclear-supplier-states-are-in-collective-breach-of-the-npt/>
- <https://legal.un.org/ilc/guide/gfra.shtml> (Last visited: 2021.08.21).
- <https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions> (Last visited: 2021.08.22)
- <https://treaties.un.org/pages/showDetails.aspx?objid=08000002801d56c5> Last visited: 2021.08.21).